

چالش‌های آموزش علم به زبان انگلیسی در مقطع ابتدایی شهر حلبچه

سید مهدی حسینی^{۱*} و دلشاد فایق حمه توفیق^۲

S. Mahdi Hosseini^{1*} & Dilshad Fayeq Hama Taofiq²

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۶/۲۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۰۹

Received Date: 2020/01/29

Accepted Date: 2020/09/12

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر بررسی چالش‌های آموزش علم به زبان انگلیسی در مقطع ابتدایی شهر حلبچه است. **روش:** این پژوهش با رویکرد کیفی و به روش پدیدارشناسی توصیفی، با هدف شناسایی چالش‌های اجرای این برنامه انجام شد. از تعداد ۴۵ نفر (معلمان، دانش‌آموزان و والدین آنها) که تجربه آموزش علم به زبان انگلیسی در ابتدایی را داشتند مصاحبه به عمل آمد. ملاک انتخاب مصاحبه شونده‌ها داشتن تجربه مرتبط بود. برای تعیین حجم نمونه از اشباع نظری استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش سه مرحله‌ای کدگذاری (باز، محوری و منتخب) انجام شد. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد اجرای این برنامه از آغاز تاکنون دارای چالش‌هایی است که حل نشده باقی مانده است و هیچکدام از معلمان، دانش‌آموزان و والدین آنها اجرای این برنامه را موفقیت آمیز و همراه با تجربه مثبت ارزیابی نکردند. تحلیل محتوای مصاحبه‌ها بیانگر ضعف در مراحل برنامه‌ریزی و پیاده‌سازی آموزش علم به زبان انگلیسی در مقطع ابتدایی شهر حلبچه است. آموزش و پرورش کردستان عراق برنامه‌ریزی منطقی و بلندمدت برای آموزش علم به زبان انگلیسی تدوین ننموده است. عوامل اصلی و مجری آموزش در تدریس دروس ریاضی و علوم ابتدایی از ابعاد مختلف ناتوان و بدون انگیزه هستند. محتوای دروس نامناسب است و ابزارها و بودجه کافی برای تهیه تجهیزات آموزشی تهیه نشده است.

کلید واژه‌ها: شهر حلبچه، مقطع ابتدایی، آموزش علم، زبان انگلیسی، زبان دوم

۱. دکترای علم اطلاعات و دانش‌شناسی، استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه کردستان، پژوهشگر پژوهشکده کردستان شناسی (نویسنده مسئول)

۲. کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، معلم شهر حلبچه

Email: smahdihossen@gmail.com

* نویسنده مسئول:

مقدمه و بیان مسئله

زبان توسعه یافته‌ترین ابزار فکری است که برای اندیشیدن و برقراری ارتباط بین انسان‌ها به کار گرفته می‌شود. انسان‌ها برای بهتر زیستن نیازمند اندیشیدن (براساس اطلاعات، دانش و علم) و تعامل با همدیگر هستند و در طول زندگی و در مراحل رشد به چنین مهارتهایی دست می‌یابند. بستر و ابزار دستیابی به دانش، مهارت ارتباطی است که با ابزار زبان ممکن می‌شود (Ahmad Abuarqoub, 2019). دستیابی به مهارت کافی در هر زبان نیازمند مراحل طبیعی رشد زبان است و آسان‌ترین زبان یادگیری برای هر فرد زبانی است که فرد از کودکی در بافت و محیط استفاده از آن برای رفع نیازهای ارتباطی و تعاملی خود قرار گرفته و رشد می‌کند (Ghasemi & Hashemi, 2011; Mathew, 2019). به همین دلیل، هر کس در استفاده از زبان مادری راحت‌تر و ماهرتر است. انسان‌ها افزون بر نیاز به ارتباط درونی از طریق یک زبان، نیازمند تبادل افکار و اطلاعات با مردم سایر زبان‌ها هستند. نیازهای برخاسته از مبادلات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و علمی سبب شده است که کسانی که به یک زبان ارتباط برقرار می‌کنند به یادگیری زبانهای دیگر، به ویژه زبانهایی که در گستره بیشتری مورد استفاده قرار می‌گیرند، احساس نیاز و اقدام کنند. به دلایل مختلف علمی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، زبان انگلیسی تبدیل به یکی از پرستفاده‌ترین راه‌های ارتباط مردمان کشورهای متفاوت شده است. زبان انگلیسی در فعالیتهای مالی، تجاری، آموزشی، پژوهشی و علمی سراسر جهان به عنوان ابزاری همه‌گیر مورد توجه است (Adalat, 2012). چگونگی یادگیری و کسب مهارت در یک زبان غیر از زبان مادری یا زبان محیط طبیعی فرد سبب شده است که در کشورهای مختلف شیوه‌های مختلفی به کار گرفته شود. برای مثال، در برخی کشورها مانند ایران یک درس خاص را در طول تحصیل برای یادگیری زبان انگلیسی در نظر می‌گیرند و بقیه مسائل علمی و آموزشی را با زبان فارسی (رسمی) آموزش می‌دهند. اما در برخی کشورها مانند مالزی در کنار مدرسی که به زبان مادری آموزش می‌دهند، مدرسی وجود دارد که تمام علوم را به زبان انگلیسی آموزش می‌دهند (Ismail et al., 2011).

یادگیری زبان انگلیسی به شکل طبیعی یعنی قرارگیری در محیط و بدون آموزش خاص در بیشتر موارد انجام می‌گیرد و فرد در مهارت‌های چهارگانه زبان (خواندن و نوشتن، گوش دادن و صحبت کردن) مهارت کافی پیدا می‌کند. اما یادگیری زبان دوم در روش زبان آموزی هدایت شده نظیر آنچه در مدارس و از طریق آموزش رخ می‌دهد، تقریباً همیشه با مشکلاتی مواجه بوده است (Mohammadi, 2015). دوزبانگی پدیده‌ای جهانی است که در اکثر کشورهای جهان وجود دارد و عبارت است از حالتی که فرد به زبانی غیر از زبان مادری خود آموزش می‌بیند. از نظر (Grosjean, 2010) امروزه بیش از نیمی از جمعیت جهان دوزبان هستند. Paulston (1988) معتقد است که به ندرت می‌توان کشوری را پیدا کرد که جمعیت آن به دو یا چند زبان تکلم نکنند. در بسیاری از کشورها علاوه بر زبان رسمی آموزش و پرورش، زبان‌های دیگری وجود دارد که این موضوع بر یادگیری و آموزش افراد آن جامعه

تأثیر بسزایی می‌گذارد. به رسمیت شناختن یک زبان خاص که همه مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و به ویژه آموزشی کشور با آن مطرح شود، همواره مسائل و آسیب‌هایی را به طور عام برای نظام آموزش و پرورش و به طور خاص برای دانش‌آموزانی که زبان مادری آن‌ها غیر از آن زبان رسمی است، به وجود آورده است (Kimberly & Drury, 2012).

در چند سال اخیر، آموزش کار آمد زبان انگلیسی از عمده دغدغه‌های اصلی مسئولان امر برنامه‌ریزی درسی کردستان عراق بوده است. زیرا به رغم صرف مقدار زیادی زمان، انرژی و سرمایه، دانش‌آموزان کرد زبان پس از طی چند سال آموزش زبان انگلیسی، در نهایت قادر به برقراری ارتباط مفید و مؤثر از طریق زبان انگلیسی نیستند. به عبارت دیگر، دانش‌آموزان کرد زبان پس از فارغ التحصیلی، توانایی استفاده مؤثر از زبان انگلیسی را ندارند و قادر نیستند بقیه دروسی را که به زبان انگلیسی تدریس می‌شود، درک کنند. به همین دلیل، از سال ۲۰۱۴ میلادی وزارت آموزش و پرورش تصمیم گرفت که علم (دروس ریاضی و علوم) را از ابتدایی به زبان انگلیسی آموزش دهد و در سال ۲۰۱۵ در تعدادی از مدرسه‌های مراکز استان‌های اقلیم کردستان اجرا شد. این برنامه در ۱۱ مدرسه دولتی شهر حلبچه اجرا می‌شود. تجربه زیسته یکی از پژوهشگران در شهر حلبچه به عنوان معلم و پدر یک دانش‌آموز بیانگر آن است که اجرای این برنامه معلمان، دانش‌آموزان و والدین را با مشکلات و موانعی رو به رو ساخته است. با وجود جمعیت ۲۷۵ معلم و ۲۶۷۵ دانش‌آموز و خانواده‌های آنان که از این تصمیم متأثر خواهند شد، هنوز پژوهشی که نشان دهد معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌ها با این شیوه تدریس با چه مشکلاتی رو به رو هستند و راهبردهای مناسب برای رفع این مشکلات کدام است، اجرا نشده است. در این پژوهش سعی شد مشکلات و چالش‌های آموزش علم به زبان انگلیسی برای دانش‌آموزان مقطع ابتدایی کرد زبان در شهر حلبچه شناسایی شوند.

نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند در اصلاح و بهبود برنامه‌ریزی آموزش و پرورش کردستان عراق برای آموزش به زبان انگلیسی مؤثر باشد. نظام آموزش و پرورش کردستان عراق نوپا است و توجه به موانع و مشکلات برنامه‌های در حال اجرا می‌تواند از آسیب دیدن دانش‌آموزان جلوگیری کند. همچنین، توجه به نیازهای آینده جامعه و توانمند کردن یادگیرندگان به مهارت‌های زبانی برای بهره‌مندی از علم و دانش، امکان برخورداری جامعه از انسان‌های ماهر و توانمند را فراهم خواهد ساخت. توجه به علم آموزی و زبان علم آموزی از ابتدایی می‌تواند سنگ بنای مستحکمی برای توسعه علمی و اجتماعی مبتنی بر دانش باشد. در غیر این صورت، شیوه سنتی و غیر علمی برخورد با مسائل در جامعه چاره نخواهد شد.

پرسش‌های پژوهش

- ۱- معلمان مقطع ابتدایی شهر حلبچه چه تجربه‌ای از آموزش علم به زبان انگلیسی دارند؟
- ۲- دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر حلبچه چه تجربه‌ای از یادگیری علم به زبان انگلیسی دارند؟
- ۳- والدین دانش‌آموزانی که به زبان انگلیسی علم را می‌آموزند چه تجاربی در زمینه مشکلات و دشواریهای یادگیری فرزندان خود دارند؟
- ۴- مدل مفهومی مشکلات و دشواریهای آموزش علم به زبان انگلیسی در مقطع ابتدایی شهر حلبچه چگونه ترسیم می‌شود؟

مبانی نظری

کودکانی که در بدو ورود به مدرسه و هنگام آموزش با زبان جدیدی مواجه می‌شوند در مقایسه با کودکانی که زبان آموزش آن‌ها زبان مادری است، دارای مشکلاتی هستند که موفقیت تحصیلی آن‌ها را تحت شعاع قرار می‌دهد (Mohammadi, 2015). تمام آنچه دانش‌آموز به زبان غیر مادری در آموزش رسمی می‌شنود، تنها بخشی از این شنیده‌ها را درک و استنباط می‌کند (Brown, 2009). یعنی در هنگام خواندن یک متن، دانش‌آموز معنای کلمات را بیشتر درک می‌کند تا اینکه به دنبال درک معنی جمله باشد؛ زیرا شروع آموزش رسمی برای دانش‌آموزان به منزله یادگیری یک زبان خارجی است. در این رابطه تبعیض پنهانی در حق دانش‌آموزان دوزبانه رخ می‌دهد. یعنی دانش‌آموزان دوزبانه باید با دانش‌آموزانی که به زبان مادری خود آموزش می‌بینند رقابت داشته باشند. این درحالی است که این دانش‌آموزان در تکلم به زبان مادری هیچ مشکل ندارند و به راحتی صحبت می‌کنند. به اعتقاد بلانک و هامر^۱ کودکی که زبان مادری را در یک فرایند تدریجی و در ارتباط مستقیم با محیط اطراف خود فراگرفته است، در ابتدا زبان برای او دارای کارکرد عاطفی و ارتباطی بوده و سپس از آن برای توسعه شناختی خود استفاده می‌کند. به نظر وی، وقتی که کودک با داشتن یک دانش ناقص از زبان دوم، وارد مدرسه می‌شود و به جای کارکردهای اجتماعی و عاطفی زبان، با کارکردهای شناختی آن مواجه می‌گردد، در توسعه زبانی‌اش خدشه وارد می‌شود. معمولاً کودکانی که در خواندن مطالب نوشتاری ناآشنا هستند و مجبورند درباره آن صحبت کنند، ناتوانی در توضیح مطالب درسی به زبان دوم سبب کم حرفی آن‌ها می‌شود (Ehteshami & Mousavi, 2009).

چگونگی ارتباط میان زبان و تعلیم و تربیت از موضوعات مهمی است که امروزه سیاستگذاران آموزشی، روانشناسان و معلمان با آن مواجه هستند. افت تحصیلی و عملکردهای دانش‌آموزانی که به زبان مادری خود آموزش نمی‌بینند ارتباط مستقیمی با آموزش به زبان رسمی دارد. کسب دانش و شناخت کودک را نخست زبان مادری و سپس زبان آموزشی راهبری می‌کند. اگر کودک در خانواده‌ای

1. Blank and hamer

بزرگ شود که تنها یک زبان را به کار می‌گیرد و این زبان همان زبانی نباشد که در آموزشگاه به کار می‌رود، دوگانگی زبان خانه و آموزشگاه روی می‌دهد که زمینه‌ساز آسیب‌های گوناگون می‌شود. برای چنین کودکانی، آموختن خواندن و نوشتن در آموزشگاه چالش برانگیزتر از آموختن برای کودکان تک‌زبان‌های است که زبان مادری آنان همان زبان آموزشگاهی است؛ زیرا کودکانی که از این دشواری رنج می‌برند باید پیش از آموختن هر چیز دیگر، زبان آموزشگاهی را بیاموزند و این سبب می‌شود که از دیگر آموخته‌ها عقب بمانند.

پیشینه پژوهش

در زمینه‌ی چالش‌های استفاده از زبان انگلیسی به عنوان رسانه آموزشی^۱ پژوهش‌های قابل توجهی انجام شده است. به ویژه در کشورهای آسیایی مانند ایران، ترکیه، کویت، هنگ کنگ، مالزی، چین. اما در کشور عراق و به ویژه در کردستان عراق بسیار اندک است. برای نمونه به برخی از آنان اشاره می‌شود. قادری و دیگران به این نتیجه رسیدند که معلمان ناحیه یک سنندج ضمن تدریس به زبان فارسی با چالش‌های گوناگون روبه‌رو هستند و کتاب‌های درسی مشکلاتی مانند پرداختن به زبان معیار و بی‌توجهی به زبان و گویش‌های محلی دارند. این امر سبب سردرگمی دانش‌آموزان در تطابق زبان خود با زبانی است که تاکنون آن را به کار نبرده‌اند. دانش‌آموزان مطالب کتاب را به خوبی درک نمی‌کنند و در فهمیدن و به کار بردن آنها دچار مشکل می‌شوند. آنان توجه بیشتر به زبان‌ها و گویش‌های محلی و بومی را توصیه کردند (Ghaderi, Bolandhemmatan, Havasbeigi, & Babakani, 2018). (Mehrzoo & Hadian (1996) دریافتند که مشکلاتی که بر سر راه آموزش دانش‌آموزان غیرفارسی زبان در مدرسه وجود دارد، مانع از درک و فهم مطالب درسی ارائه شده از سوی معلم می‌شود و همین سبب دلسردی و احساس حقارت در آنها می‌شود. این دانش‌آموزان به دلیل همین دشواری‌ها با افت تحصیلی و مردودی رو به رو می‌شوند که این امر در روستاها بیشتر از شهرها به چشم می‌خورد. نتایج پژوهش Arefi (2004) نشان داد که منابع آموزشی در دسترس تا چه اندازه امکان دارد پیشرفت آموزشی در زبان دوم کودکان دوزبان را تحت تأثیر قرار دهد. در این پژوهش، کودکانی که فرصت گذراندن دوره‌های قبل از دبستان را داشته‌اند توانایی یادگیری دانش زبان فارسی آنان به مراتب بیشتر از کودکانی است که چنین فرصتی را در اختیار نداشته‌اند.

یافته‌های Fanaei (2005) نشان داد که آموزش به زبان مادری از نظر روانشناسی سبب درک بهتر مطالب می‌گردد، از نظر اجتماعی سبب جذب راحت‌تر کودک در محیط اجتماعی خود می‌شود، از نظر عاطفی، کودک را از گسستگی عاطفی نسبت به محیط درس دور می‌کند، از نظر آموزشی سبب بالا رفتن کمیت و کیفیت ارتباط در داخل مدرسه و کلاس می‌شود و دانش‌آموز را از ابزار اصلی تفکر یعنی ارتباط برخوردار می‌کند. چنانچه در محیط متعارض درسی که تدریس به زبان غیر مادری صورت گیرد،

1. English as Medium of Instruction (EMI)

کودک در تنظیم و بیان تفکرات خود به زبان غیر مادری دچار مشکل می‌شود، عدم توانایی در بیان مسائل سبب کم حرفی و خودسانسوری، سرخوردگی عاطفی و احساس خجالت در او خواهد شد. پژوهش عصاره وجود مشکلات زبانی را در کودکان مناطق دوزبانه به عواملی همچون نگذراندن دوره یکساله پیش دبستانی، نامتناسب بودن محتوای کتابهای درسی با ویژگی‌های ذهنی و بومی این کودکان و کمبود وسایل کمک آموزشی نسبت داد (Asareh, 2006). (Mohammadi et al (2009). دریافتند که پیچیدگی زبانی زبان فارسی (شامل میانگین طول گفتار، طول پنج جمله طولانی، تعداد افعال جمله و تعداد بندهای وابسته در جمله) به طور معنادار بیشتر از کردی است و شدت لکنت شرکت کنندگان در زبان فارسی بیشتر از کردی است. از نتایج دیگر این است که عدم آموزش زبان مادری به این دانش‌آموزان در مدرسه، یادگیری آنها را ضعیف و شرایط را برای یادگیری دو زبان نابرابر کرده است. چراکه شدت ناروایی زبان فارسی بیشتر بود. ارتباط عاطفی مثبت با زبان مادری هم می‌تواند یکی از دلایل این وضعیت است (Gohari (2010). به این نتیجه رسید که آموزش به زبان غیر مادری با مسائل تحصیلی دانش‌آموزان دوزبانه رابطه معنادار دارد و نیز تأیید شد که آموزش به زبان غیر مادری بر ابعاد آموزشی، عاطفی و هویتی دانش‌آموزان دوزبانه تأثیر سوء دارد. همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد که آموزش به زبان غیر مادری در بی‌توجهی به زبان مادری دانش‌آموزان دوزبانه تأثیر بسزایی دارد. در پژوهشی (Rasouli & Hamidi (2011 با عنوان «پیامدهای آموزش پیش دبستانی برای نوآموزان دبستانی در استانهای دوزبانه: آمادگی و پیشرفت زبانی بیشتر»، پردازش داده‌ها برتری پیش دبستانی رفته‌ها را نشان داد و این گویای کارایی دوره‌های پیش دبستانی و نیاز به گسترش هر چه بیشتر آنهاست (Iraqi & Hatami (2012). پس از «بررسی مشکلات سوادآموزی دانش‌آموزان دوزبانه در مقطع ابتدایی» که باهدف بررسی مشکلات دانش‌آموزان دوزبانه انجام دادند دریافتند که مشکل اصلی دانش‌آموزان، عدم درک معنا و ایجاد ارتباط آنها با معلم است که ناشی از عدم آشنایی دانش‌آموزان با هسته معنایی زبان فارسی و عدم تسلط به آن است. همچنین آموزش به زبان مادری از نظر روانشناختی، اجتماعی، عاطفی و از نظر آموزشی کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب ارتقاء آنان از نظر تفکر و رشد زبانی و ذهنی می‌شود و از نارسایی‌های موجود زبان‌آموزی و سوادآموزی که تحت تأثیر این عوامل به وجود می‌آید می‌کاهد.

در پژوهشی (Obaid (2018 با عنوان "مطالعه تأثیر دوره‌های انگلیسی بر معلمان ابتدایی در رابطه با منابع درسی و تبدیل آموزش آنها از زبان کردی به زبان انگلیسی: تأثیر دوره‌های زبان انگلیسی بر معلمان مدارس ابتدایی در رابطه با مطالب درس از زبان کردی به زبان انگلیسی" انجام داد. این مطالعه بر اهمیت زبان انگلیسی در فرایند آموزشی تمرکز دارد. جایی که محقق انتخاب کرده شهر دهوک است که مرکز یکی از استان‌های اقلیم کردستان عراق است. محقق پرسشنامه‌ای را با نمونه‌گیری از ۱۶۱ معلم تهیه کرد که در سال ۲۰۱۶ در دوره زبان انگلیسی شرکت کرده بودند. این پژوهش با هدف تعیین تأثیر و مزایای دوره‌ها بر سطح معلمان و همچنین نیازهای آنها انجام شد.

نتایج نشان داد: یک دوره آموزش انگلیسی ۴۵ روزه برای معلمان کافی نیست که آنها بتوانند دروس علوم و ریاضی را به زبان انگلیسی تدریس کنند؛ بیشتر معلمان شرکت کننده در دوره آموزشی دوست دارند با زبان مادری در کلاس خود تدریس کنند؛ تعداد معلمان جوان بیشتر از تعداد معلمان سالخورده بود؛ بیشتر معلمان سالخورده از دشوار بودن تبیین دروس به زبان انگلیسی به جای زبان مادری، شکایت دارند و تاکید می کنند که یادگیری زبان جدید برای آنها دشوار است؛ اما آنها موظفند در این فرایند شرکت کنند؛ ۸۲٪ شرکت کنندگان دوره دارای مدرک کاردانی بودند؛ ۴۴٪ آنها در درس ریاضی و ۲۱٪ آنها در درس علوم تخصص داشتند و باقی در درس زبان کردی، عربی و هنر تخصص داشتند.

در پژوهشی (El-fara & Rashid, 2013) با نام "استراتژی‌های پیشنهاد شده برای آموزش علوم در دانشگاه‌های کردستان با استفاده از زبان انگلیسی به عنوان زبان آموزشی" انجام دادند. استراتژی‌های پیشنهاد شده برای آموزش علوم به زبان انگلیسی به عنوان زبان آموزشی منطقه کردستان در منطقه خاورمیانه بسیار رو به رشد است. رشد سریع اقتصادی با تقاضای بالا برای به کارگیری فارغ التحصیلان دارای مهارت‌های ارتباطی قوی جهانی همراه است. یادگیری و تدریس در خاورمیانه، به ویژه در کردستان با چالش‌های متعددی مواجه است. در میان چنین چالش‌هایی می‌توانیم (۱) عدم علاقه و میزان ترک تحصیل بالا در موضوعات علمی (۲) فقدان دانش کافی در مؤسسات پیش‌دانشگاهی و (۳) زبان و روش‌های ارزیابی را مشخص کنیم. در این پژوهش، استراتژی‌ها و روش‌های مختلف آموزش و یادگیری، با استفاده از زبان انگلیسی به عنوان زبان آموزش در دانشگاه‌های خصوصی و دولتی در هه‌ولیر، کردستان، ارزیابی شده است. روش این پژوهش ترکیبی از ارزیابی شامل نظرسنجی ساختار یافته، مصاحبه‌ها و مطالعه موردی آموزش و یادگیری بود. نتایج نشان (Prinsloo, 2009) داد که رویکردهای یادگیری/تدریس مورد بررسی برای دانشجویان و کارکنان دانشگاهی قابل توجه است. چنین رویکردهایی می‌تواند برای آموزش علم در دانشگاه‌های کردستان مفید باشد. در پژوهشی با عنوان «حق آموزش به زبان مادری» به این نتیجه رسید که بهتر است سیستم آموزش و پرورش دوزبانه باشد. چون این سیستم در مدارس ابتدایی اجرا نمی‌شود میزان ترک تحصیل و شکست تحصیلی بالاست چون زبان آموزش برای ارائه درس نامناسب است.

افزون بر پژوهش‌های فوق، چالش‌های آموزش به زبان انگلیسی برای یادگیرندگان غیر انگلیسی زبان توسط پژوهشگران مختلف بیان شده است. برای نمونه، سطح پایین دانش حوزه مورد مطالعه، زمان طولانی مورد نیاز برای آموزش به زبان انگلیسی، کمبود راهنمای تدریس و ارزیابی، کمبود معلمان توانا به آموزش از طریق زبان، عدم درک موضوع درس توسط یادگیرنده، احساس الینه شدن و جدایی، مشارکت اندک یادگیرنده در کلاس، اضافه بار کار یادگیرنده و یاددهنده، کاهش کیفیت آموزش (Gao, 2008)، کاهش علاقه یادگیرندگان، کاهش اعتماد به نفس و شکست تحصیلی، خطر فقدان فرهنگ سنتی و بومی (Gökmenoglu & Gelmez-Burakgazi, 2013)، ناتوانی در

برنامه‌ریزی تکالیف نوشتاری، ضعف در دنبال کردن یک بحث، ضعف در به کارگیری سبک مناسب علمی، ضعف در بیان ایده خود با انگلیسی روزمره، ناتوانی در درک واژگان تخصصی و کلیدی، ضعف در یادداشت برداری خلاصه و روشن (Evans and Morrison, 2011). کمبود سرگرمی و محیط کلاس بی‌روح (Sert, 2008)، ضعف در فراهم کردن منابع برای درک عمیق‌تر به صورت سریع (Kılıçkaya, 2006)، بی‌ثباتی و عدم پیوستگی بین محتوای آموزشی (Gökmenoğlu and Gelmez-Burakgazi, 2013). ایجاد سردرگمی به جای تسهیل یادگیری، استفاده از زبان بومی برای ارتباط و توضیح و استفاده از زبان انگلیسی تنها برای انجام تمرین و امتحان، عدم احساس راحتی در استفاده از زبان انگلیسی. عدم تسلط و توان معلمان در دستیابی به مهارت کافی در انگلیسی (Namuchwa, 2007). ناتوانی در توضیح مفاهیم به زبان انگلیسی، ضعف در ترکیب مهارت‌های زبانی و مهارت‌های محتوای تدریس، نیاز پایین مهارت انگلیسی یادگیرندگان، کمبود منابع آموزشی مناسب، ضعف قابلیت‌های انگلیسی (Othman and Saat, 2009). زبان انگلیسی مانع یادگیری علم است چون یادگیرنده باید ابتدا به فکر یادگیری زبان انگلیسی باشد، کمبود معلمان حرفه‌ای و توانمند و آموزش به موقع آنان، کمبود منابع برای مطالعه بیشتر، زمان طولانی مورد نیاز برای آموزش، ناتوانی والدین در کمک به فرزندان برای انجام تکالیف، دشواری محتوا و مفاهیم منابع درسی، رفتار یادگیرندگان مانع آموزش و اصلاح آن زمان بر است (Kedbey, Dickson & McMinn, 2015)

مرور پژوهش‌ها بیانگر آن است که به کارگیری زبان دوم به ویژه انگلیسی برای آموز علم با چالش‌هایی همراه است که سبب افت کیفیت آموزش می‌شود. پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مناطق دو زبانه نسبت به دانش‌آموزان تک زبانه کمتر است. ناهماهنگی بین زبان نوشتاری و زبان شفاهی بومی سبب می‌شود که یادگیرنده به جای استفاده ابزاری از زبان انگلیسی برای درک مفاهیم علمی و کار با آن، درگیر آموزش زبان انگلیسی به عنوان هدف باشد. این امر سبب سردرگمی دانش‌آموزان در تطابق زبان خود با زبانی است که آن را تاکنون به کار نبرده‌اند و در فهمیدن و کار با مطالب درسی با مشکل مواجه هستند. این دانش‌آموزان به دلیل همین دشواری‌ها با افت تحصیلی و مردودی روبرو می‌شوند.

روش پژوهش

این پژوهش کاربردی با رویکرد کیفی و به شیوه پدیدارشناسی انجام شد. نوع پدیدارشناسی مورد استفاده توصیفی است. به منظور شناسایی پدیده تدریس علم به زبان انگلیسی در مقطع ابتدایی درک و برداشت و تجربه معلمان، دانش‌آموزان و والدین آنان مورد بررسی قرار گرفت.

جامعه آماری این پژوهش را معلمان، والدین و دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر حلبچه در سال تحصیلی ۲۰۱۹-۲۰۱۸ تشکیل دادند. که تعداد معلمان ۲۷۵ نفر و دانش‌آموزان ابتدایی ۱۲۰۰ نفر و

۱۲۰۰ والدین آنها که جمعا ۲۶۷۵ نفر بود. در این پژوهش نمونه‌گیری هدفمند بود و حجم نمونه با توجه به اشباع نظری تعیین شد. ملاک نمونه‌گیری برای معلمان تجربه دوره آموزشی آمادگی برای تدریس علم به زبان انگلیسی و تجربه عملی تدریس علم به زبان انگلیسی در مقطع ابتدایی شهر حلبچه بود. برای دانش‌آموزان تحصیل در مدرسه و درس خواندن به زبان انگلیسی بود و برای والدین داشتن فرزند در مدرسه‌ای بود که به زبان انگلیسی علم را آموزش می‌دهند. برای جمع‌آوری داده‌های این پژوهش از هر کدام از سه گروه معلمان، دانش‌آموزان و والدین ۱۵ نفر (جمعاً ۴۵ نفر) مصاحبه نیمه ساختاریافته به عمل آمد. ملاک کفایت نمونه اشباع نظری بود که در گروه معلمان در نفر ۱۳، در گروه والدین در نفر ۱۰ و در گروه دانش‌آموزان در نفر ۹ به اشباع نظری رسید. به منظور اطمینان از صحت داده‌ها، پیش از تحلیل داده‌ها از مشارکت کنندگان خواسته شد تا متن مصاحبه خود را بخوانند و اگر پیشنهادی دارند ارائه کنند، پیشنهادهای ارائه شده آنان در متن پیاده شده اعمال شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش سه مرحله‌ای (کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی) (Strauss and Corbin 1998) استفاده شد. به این صورت که ابتدا موضوعات مهم و مفاهیم کلیدی گفته‌های مصاحبه شوندگان شناسایی شد. در مرحله دوم، محوری‌ترین مفاهیم گفته‌های مصاحبه شوندگان شناسایی و ثبت شد و در مرحله نهایی حوزه، بعد یا مفهومی که بتواند بیانگر مفهوم و نیز بیانگر جزئی از ساختار سازمانی سیستم آموزش و پرورش مورد بحث باشد تعیین و اختصاص یافت.

یافته‌ها

داده‌های حاصل از مصاحبه

با توجه به اینکه با معلمان، دانش‌آموزان و والدین آنها مصاحبه‌های جداگانه به عمل آمد، تعداد جدول‌های تحلیل مصاحبه‌ها در گزارش پژوهش اصلی فراوان است. جهت رعایت اختصار در اینجا از هر کدام یک نمونه ارائه می‌شود.

جدول ۴. نظر معلمان درباره کیفیت دوره آموزشی آمادگی تدریس علم به زبان انگلیسی

کد منتخب	کد محوری	کد باز
۱. فقدان برنامه ریزی	۱. کپولت سن معلمان شرکت-کننده در دوره	کد ۱، ۱۱، ۱۲ و ۱۳: تا اندازه کم معلمان را آماده می‌کرد چون زمانش کم بود تنها یک ماه و سه روز بود.
۲. ضعف انگیزه	۲. ناتوانی معلمان در یادگیری مطالب جدید،	کد ۲: معلمان خیلی مسن بودند و اصلا کسی حال و حوصله نداشت که کاری انجام بده.
۳. ضعف روش تدریس و علم آموزش	۳. پایین بودن سطح دوره	کد ۳: اکثر معلمان که سال‌ها از زبان انگلیسی دور بودند و اصلا کسی چیزی متوجه نمی‌شد.
۴. عدم توجه به تخصص افراد	۴. عدم تناسب محتوا با هدف دوره	کد ۴ و ۱۴: دوره‌ها واقعا سطحش پایین و در حد ابتدایی بود و اصلا معلم نمی‌توانست با این سطح دانش‌آموز را آموزش بدهد.
	۵. عدم تخصص موضوعی شرکت‌کنندگان در دوره	کد ۵: اصلا بیشتر معلمان که برای درس ریاضیات آمده بودند اصلا نحوه آموزش ریاضی به انگلیسی رو آموزش نمی‌دادند.
	۶. نامناسب بودن فضای دوره	کد ۶ و ۱۵: من خودم دبیر زبان عربی هستم چند ساله با این زبان تدریس کرده‌ام واقعا سخته تنها به یک دوره زبان انگلیسی یاد بگیرم یا به یک دوره بخوام چیزی غیر درس تخصصی خودم رو آموزش بدم.
	۷. توقع بالای مدرسین دوره	کد ۷: اصلا فضای کلاس خیلی بد و کسل کننده بود که واقعا من حال و حوصله‌اش رو نداشتم.
	۸. مهارت پایین مدرسین دوره	کد ۸: اصلا مدرسان واقعا توقع زیادی از ما داشتند با وجود اینکه می‌دونستند اصلا هیچی از زبان انگلیسی بلد نیستیم.
		کد ۹: بیشتر معلم‌ها که اصلا خودشون هم زبانشون مشکل داشت واقعا اون قدر غنی نبودند بخوانند به ما آموزش بدهند.
		کد ۱۰: یک دوره برای آموزش دانش‌آموزان کافی نبود چون بعضی از معلمان چند پایه تدریس می‌کنند و این سخت است و نیاز به دوره بیشتری دارد.

داده‌های به دست آمده از پرسش اول معلمان در جدول ۴ آمده است. این پرسش کیفیت دوره آموزشی را که با هدف آماده کردن معلمان برای تدریس عملی به زبان انگلیسی اجرا شده بود، بررسی نمود. جدول ۴ نشان می‌دهد که نظر معلمان این است که دوره آموزشی که برای آماده‌سازی معلمان برای تدریس علم به زبان انگلیسی برگزار شده است، چندان مورد رضایت آنان نبوده است. در این جدول مشخص شده است که هم عوامل سازمانی مانند محتوای دوره و فضای برگزاری کلاس‌ها و طول دوره نامناسب بوده است، هم مدرسان در انتقال مفاهیم ناتوان بوده‌اند. همچنین، معلمان شرکت‌کننده در دوره قابلیت یادگیری ضعیفی داشته‌اند. به عبارت دیگر، زیرساخت‌های لازم برای تربیت نیروی انسانی ماهر و توانمند برای آموزش علم به زبان انگلیسی، از دیدگاه معلمان شرکت‌کننده در مصاحبه، فراهم نشده است. گفته‌های برخی از معلمان در ادامه آمده است:

- تا اندازه‌هایی که ماموستای ناماده ده‌کرد چونکه ماوه‌که‌می کهم بوو. یه‌ک مانگ و سی رۆژ بوو. (کد ۱)
- له راستیدا خوله‌که له ناستیکی نزمدا بوو سه‌مه‌تایی بوو، له‌م ناسته‌دا ماموستا نه‌یده‌توانی قوتایی فیر بکات. (کد ۴)
- من بۆخۆم ماموستای زمانی عه‌ر به‌بیم چه‌ندین ساڵ به‌م زمانه وانم وتوته‌وه له‌به‌ر نه‌وه ته‌نها یه‌ک خول کافی نیه بۆ فیربونی زمانی ئینگلیزی، یاخود به‌ یه‌ک خول فیربیم به‌مۆی وانیه‌ک بلنیه‌وه که جیاوازه له‌ پسیورییه‌که‌ی خۆم. (کد ۶)
- به‌شداری کردن ته‌نها له‌یه‌ک خولدا کافی نیه چونکه قوتایی کاتیک دمچینه پۆلکی‌تر ماموستاش ده‌بی دووباره له‌خولکی‌تردا به‌شداری بکات تا بتوانی وانیه‌ی ئه‌م پۆله بلنیه‌وه. (کد ۴ ا)

جدول ۵. نظر دانش‌آموزان درباره مدرسه و تدریس به زبان انگلیسی

کد منتخب	کد محوری	کد باز
۱. عوامل تدریس ۲. عوامل خانوادگی ۳. عوامل فردی یادگیرنده	۱. تمایل دانش‌آموز به یادگیری به زبان انگلیسی	کد ۱، ۱۰ و ۱۱: من دوست دارم انگلیسی یاد بگیرم.
	۲. تمایل دانش‌آموز به یادگیری به زبان مادری	کد ۲: من درس را به زبان کردی دوست دارم و فقط با این شکل می‌فهمم.
	۳. عدم اعتماد دانش‌آموز به توان معلم در آموزش	کد ۳: خودم زبان کردی دوست دارم ولی پدر و مادرم می‌گویند که باید انگلیسی یاد بگیرم.
	۴. اختلاف نظر بین والدین و دانش‌آموزان در زمینه زبان آموزش	کد ۴ و ۱۵: زبان کردی بلدم دلم می‌خواهد زبان انگلیسی نیز یاد بگیرم.
	۵. سردرگمی دانش‌آموزان در زمینه منبع یادگیری	کد ۵: زبان انگلیسی خیلی خوبه ولی اخته معلم‌ها بلد نیستند آموزش بدهند و در نهایت به زبان کردی آموزش می‌دهند.
	۶. آمادگی ذهنی دانش‌آموز برای نمره کم گرفتن	کد ۶ و ۱۱: من می‌گویم زبان کردی خوبه زبان انگلیسی دوست ندارم.
	۷. تصمیم والدین به انتخاب زبان مادری	کد ۷: اخته بعضی از درس‌ها که کلا معنای انگلیسی رو نمی‌فهمیم در آخر هم می‌افتیم مثل درس ریاضی و علوم که خیلی سخته.
		کد ۸، ۱۲، ۱۳ و ۱۴: الان کلاس دوم هستم پدرم و مادرم می‌گویند سال آینده تو را به مدارس کرد زبان برمی‌گردانیم.
		کد ۹: خیلی خوبه انگلیسی خیلی دوست دارم.

جدول ۵ نشان می‌دهد که دانش‌آموزان درباره اهمیت یادگیری زبان انگلیسی نظرهای متفاوتی دارند. برخی دوست دارند یاد بگیرند و برخی دوست دارند به زبان مادری آموزش ببینند. باور برخی از آنان این است که معلمان در آموزش علم به زبان انگلیسی ناتوانند و برخی بر ناتوانی و عدم درک خود تأکید دارند و از نظر ذهنی آمادگی شکست در امتحانات را دارند. همچنین، دوگانگی بین علاقه و توان دانش‌آموز با تمایل و خواست والدین پیش آمده است. در زیر اظهار نظر برخی از دانش‌آموزان به عنوان نمونه آمده است:

- من حه‌زم له‌وه‌یه به‌زمانی کوردی بخوینین چونکه به‌م جو‌ره باشتر تیده‌گه‌م. (کد ۲)
- زمانی کوردی دهم‌انم حه‌ز نه‌که‌م زمانی ئینگلیزیش فیربیم. (کد ۴)
- من ئه‌لیم زمانی کوردی چاکه حه‌زم له‌ زمانی ئینگلیزی نییه. (کد ۶)
- ئیستا له‌ پۆلی دوو‌هه‌م دایک و بارکم ئه‌لین سالی داهاتوو ئه‌تگیزینه‌وه بۆ قوتابخانه‌ی زمانی کوردی. (کد ۸)

جدول ۶. نظر والدین درباره آموزش علم به زبان انگلیسی

کد منتخب	کد محوری	کد باز
۱. ایجاد مشکلات خانوادگی (اقتصادی - عاطفی - شغلی)	۱. ایجاد ناراحتی روحی برای دانش آموز	کد ۱: خوب تمامی منابع به زبان انگلیسی است. باید بچه‌ها انگلیسی یاد بگیرد. بعضی وقت‌ها که برمی‌گشت خانه گریه می‌کرد، به خصوص در درس علوم می‌گفت چه کار کنم؟ متوجه نمی‌شوم. چونکه زبان انگلیسی براشون غریب است ما هم نمی‌توانیم کمکش کنیم وقتی می‌رفتیم مدرسه، معلمان می‌گفتند ما هم انگلیسمون خوب نیست. از این بیشتر نمی‌توانیم.
۲. عدم وجود تعهد کاری بین معلمان	۲. سنگینی موضوع درس ۳. کم کاری معلمان ۴. عدم مهارت معلمان	کد ۲، ۱۳ و ۱۴: ما خودمون در دوره دبیرستان بعضی موضوعها را که الان بچه‌ها می‌خواند ما آن موقع می‌خواندیم. مثل پدیده کسوف که به زبان کردی می‌خواندیم، الان اومده دوره ابتدایی و باید به زبان انگلیسی این موضوع را آموزش ببینند.
۳. سخت بودن دروس آموزشی	۵. بی سوادی والدین ۶. فقر مالی والدین ۷. ناامیدی والدین نسبت به پیشرفت تحصیل فرزندان	کد ۳: هم برای بچه‌ها هم برای ما ناراحت کننده است چونکه هنوز حروف انگلیسی یاد نگرفته بود و متاسفانه داشتند علم را به انگلیسی یادشون می‌دادند. کد ۴: ابتدا مدرسه را خیلی دوست داشت ولی چند روزی گذشت بچه‌ها احساس ناراحتی می‌کرد روزی گفت که دوست دارم برگردم مدرسه زبان کردی. کد ۵: متوجه شدیم که احساس ناراحتی می‌کند بعضی از والدین قبلا بچه‌هاشون فرستاده بودن کلاس زبان واقعا از نظر مالی نمی‌تونستیم بچه را بفرستیم به کلاس‌های زبان. کد ۶ و ۱۱: ابتدا خوب بود ولی بعدا متوجه شدیم پسر در حدی نیست که بتواند به زبان انگلیسی درس بخواند چونکه موضوع دروسشان سنگین بود ما هم نمی‌توانیم کمکی کنیم. کد ۷: به نظر من خوبه آموزش به زبان انگلیسی. من خودم زبانم خوب است. به بچه‌ها کمک می‌کنم. کد ۸: مدرسه اصلا آموزشی نمی‌دهد که بچه‌ها یاد بگیرند. ما هم نمی‌توانیم کمکی کنیم. کد ۹ و ۱۵: معلمان نمی‌توانند به خوبی درس را به انگلیسی آموزش بدهند چون ما هم باید در خانه بشینیم پیش بچه بهش کمک کنیم اگر والدینی آشنایی با زبان انگلیسی نداشته باشند فاجعه رخ می‌دهد. کد ۱۰: باورکنین اینقدر سخته کاش مدرسه‌ای با زبان کردی بود نزدیک خانه‌مان که بچه را می‌فرستادیم آنجا.

داده‌های به دست آمده از مصاحبه با والدین در جدول ۶ نشان می‌دهد که والدین دانش‌آموزان تجربه خوشایندی از تدریس علم به زبان انگلیسی به فرزندشان ندارند. ناراحتی روحی و گریه فرزندان، ناتوانی در فهم مطالب درسی مانند علوم، بی‌نتیجه ماندن پیگیری والدین و ابزار ناتوانی معلمان در انتقال مفاهیم، لزوم آموزش و پیگیری درک فرزندان در خانواده، ناتوانی خانواده‌ها از نظر مالی برای فرستادن

کودکان به کلاس خصوصی و احساس نیاز به کلاس خصوصی به جای کفایت تدریس مدرسه از جمله بیان تجارب ناخوشایند والدین نسبت به آموزش به زبان انگلیسی است. از طرف دیگر والدینی هستند که زبانشان خوب است به خاطر این دوست دارند بچه‌شون انگلیسی درس بخواند. در کنار این موارد نیز دروس آموزشی بسیار سخت است و همین دلیل نیز باعث تشدید افت تحصیلی می‌شود. در زیر تجارب برخی از والدین به عنوان نمونه آمده است:

- دهی هممو کتیبه‌کان به‌زمانی ئینگلیزیه ئه‌بیت مناله‌کهم ئینگلیزی قیر ببیت همدئ جار که ده‌گه‌رایه‌وه بو ماله‌وه دهستی ده‌کرد به گریان به‌تایه‌تی له‌وانه‌ی زانستدا ئه‌یوت چی بکهم تیناگهم چونکه زمانی ئینگلیزی بویان نامۆیه ئیمه‌ش ناتوانین هاوکاری بکهمین. کاتیکیش ئه‌چووین بو قوتابخانه مامۆستاکانیش دهمانگوت ئیمه‌ش ئینگلیزیمان باش نییه. له‌وه زیاتر ناتوانین. (کد ۱)
- ئیمه خۆمان له‌دهورانی ناوهندیدا همدئ له‌ی بابمانه‌ی که ئیستا مناله‌کهم ده‌بخوئینت ئه‌وکات ئه‌مان خویند وه‌گ دیارده‌ی خۆرگیران و مانگ گیران ئیستا هاتووته قوناغی سه‌رم‌تایی. (کد ۲)
- سه‌رم‌تا باش بوو به‌لام دواتر تیگه‌یشتین که مناله‌کهمان له‌ی ئاسته‌دا نییه که بتوانیت به‌ زمانی ئینگلیزی بخوئینت چونکه بابمئی وانه‌کهمان قورس بوو نیمه‌ش نه‌مانده‌توانی هاوکاری بکهمین. (کد ۶)
- مامۆستاکان ناتوانن به‌ به‌باشی وانه‌که بلننه‌وه. ئیمه ئه‌بیت له‌ماله‌وه دانیشین و له‌گه‌ل مناله‌کهدا هاوکاری بکهمین نه‌گه‌ر دایک و باوکێک ئاشناییان له‌گه‌ل زمانی ئینگلیزیدا نه‌بیت کارسات رووده‌دات. (کد ۹)

چالش‌های استخراج شده از مصاحبه معلمان، دانش‌آموزان و والدین درباره آموزش علم به زبان انگلیسی در مقطع ابتدایی شهر حلبچه را می‌توان در چهار دسته قرار داد:

۱- چالش‌های مربوط به وزارت آموزش و پرورش

الف) نیروی انسانی: وزارت آموزش و پرورش برنامه‌ریزی منسجم و بلند مدت برای آماده کردن معلمان ماهر و مجرب برای آموزش علم به زبان انگلیسی را دنبال نمی‌کند. معلمانی که بدون پیشینه آموزش و تدریس در زبان انگلیسی هستند با یک دوره کوتاه مدت ۴۵ روزه برای تدریس در مقطع ابتدایی که حساس‌ترین دوران آموزش است، آماده نمی‌شوند. آماده کردن معلم برای تدریس دست کم به یک دوره دو ساله آموختن علم و کارورزی نیاز دارد. همچنین، زیاد بودن نسبت دانش‌آموز به معلم در کلاس درس مزید علت شده است. معلمی که خود در زبان انگلیسی و علوم دارای ضعیف است فرصت کنترل کیفیت یادگیری و رفع نواقص دانش‌آموزان را نیز ندارد.

ب) محتوای دروس آموزشی برای مقطع ابتدایی: تدوین محتوای دروس مقطع ابتدایی به زبان انگلیسی لازم است که آسان باشد تا تدریس و یادگیری آسان شود. طبق نظر مصاحبه‌شوندگان محتوای دروس آموزشی ابتدایی دشوار است و باعث افزایش استرس و کاهش صبر و حوصله افراد می‌گردد.

پ) مشکلات بودجه و تجهیزات: مصاحبه‌شوندگان نظرشان این بود که امکانات و تجهیزات لازم برای تدریس علوم به زبان انگلیسی از سوی وزارت آموزش و پرورش فراهم نشده است. استفاده از منابع تعاملی و چندرسانه‌ای و ابزارهای که امکان نمایش محتوای تدریس را به صورت تعاملی فراهم می‌کند، به شناخت و درک موضوعات کمک می‌نمایند.

ت) برنامه‌ریزی: طبق نظر مصاحبه شونده‌گان پس از مقطع ابتدایی مدرسه‌ای وجود ندارد که دانش‌آموزان به زبان انگلیسی در آن درس بخوانند. از سوی دیگر، هماهنگی بین وزارت آموزش و پرورش و آموزش عالی برای تربیت اصولی و علمی معلم جهت تدریس علوم به زبان انگلیسی وجود ندارد.

ث) کنترل و نظارت: طبق نظر مصاحبه شونده‌گان هیچ تفاوتی بین کسانی که برای آموزش علمی به زبان انگلیسی تعیین شده‌اند و کسانی که به زبان کردی تدریس می‌کنند از نظر حقوق وجود ندارد. این نشان می‌دهد که برای کنترل طرح و دریافت بازخورد و تلاش برای رفع نواقص برنامه وجود ندارد.

۲- چالش‌های مربوط به معلمان

در توضیح چالش‌های مربوط به معلمان در زمینه آموزش علم به زبان انگلیسی می‌توان گفت:

الف) بی اثر بودن دوره آموزش ضمن خدمت: به باور معلمان ویژگی‌های دوره آموزشی کوتاه مدت معلمان (مانند مدرسان کم‌توان، کوتاه بودن دوره، محتوای نامناسب، کهنوت سن معلمان شرکت کننده در دوره، نداشتن پیشینه آشنایی با زبان انگلیسی و غیر مرتبط بودن رشته تخصصی دانشگاهی)، سبب شده است که دوره ضمن خدمت اثر بخش نباشد. یعنی معلمان در استفاده از زبان انگلیسی برای برقراری ارتباط عادی روزانه و تدریس ناتوانند.

ب) انگیزه: معلمان چه در طول دوره آموزشی و چه در هنگام تدریس در مدارس گزارش از بی انگیزگی خود برای یادگیری و کسب مهارت در زبان انگلیسی برای ارتباط و تدریس داشتند. حتی عده‌ای با جمع کردن امضاء برای لغو تدریس به زبان انگلیسی اقدام کرده‌اند. دلایل مختلفی برای نبود انگیزه معلمان وجود دارد مانند نبود پیشینه آشنایی با زبان انگلیسی، نبود مشوق سازمانی از جمله حقوق بیشتر برای تلاش بیشتر، عدم اعتماد به نفس معلمان نسبت به یادگیری مهارت جدید، باور نداشتن به ضرورت آموزش علم به زبان انگلیسی در مقطع ابتدایی، نبود مهارت خودآموزی و روزآمدسازی مهارت‌ها.

پ) عدم توانایی تدریس به زبان انگلیسی: برای تدریس به هر زبانی لازم است هم ارتباطات عادی و گفتگوهای روزانه و هم شرح مطالب درسی به همان زبان انگلیسی باشد. اگر برای توضیح و یا ارتباط با دانش‌آموزان به زبان دیگری غیر از انگلیسی متکی باشند، آموزش ناقص خواهد بود، معلمان برای ارتباط و تشریح مطالب علمی در دروس به زبان مادری وابسته هستند و این به معنی ناتوانی آنان در استفاده از زبان انگلیسی برای تدریس است. افزون بر آن، دوره تحصیلی اصلی آنان رشته دیگری مانند آموزش زبان عربی یا کردی بوده است. اما پس از شرکت در دوره کوتاه آموزشی برای تدریس ریاضی و علوم به زبان انگلیسی مأمور شده‌اند. یعنی همزمان در مهارت ضعف دارد و وارد کلاس می‌شود هم علم را خوب درک نکرده است و نمی‌تواند تشریح کند و هم زبان آموزش را مسلط نیست که بتواند با آن ارتباط برقرار نماید.

ت) تعامل: معلمان برای اینکه بتوانند تدریس کنند و دانش‌آموزان هم مطالب را فرا بگیرند باید ساعت‌ها به زبان مادری دانش‌آموزان صحبت کنند، شلوغی کلاس و زیاد بودن عده دانش‌آموزان مانع از این می‌شود که معلمان بتوانند با زبان انگلیسی با آنها ارتباط کلامی و عاطفی برقرار کنند و با شنیدن پاسخ‌های یک دانش‌آموز از توانایی‌های او آگاهی پیدا کنند و درباره یادگیری دانش‌آموزان به نحو مطلوب داوری نمایند. این شرایط باعث می‌شود دانش‌آموزان در خواندن، نوشتن و صحبت کردن به زبان انگلیسی ضعیف بوده و پیشرفت چشمگیری نداشته باشند و با همین وضعیت وارد پایه‌های بعدی تحصیلی شوند. این موضوع بعد از مدتی اغلب این دانش‌آموزان را به بن‌بست می‌رساند. از سوی دیگر، والدین از بی نتیجه ماندن مراجعه خود به مدرسه برای حل مشکل تحصیلی فرزندان خود گله‌مند بودند و بر این باور بودند که معلمان و مدیران مدارس برای حل مشکل اقدام مؤثر انجام نمی‌دهند.

۳- چالش‌های مربوط به دانش‌آموزان

چالش‌های مربوط به دانش‌آموزان ابتدایی شهر حلبچه که در زمینه یادگیری علم به زبان انگلیسی بیان کرده‌اند را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی و تشریح نمود:

الف) عدم درک زبان تدریس: عدم درک گفته‌های معلم به زبان انگلیسی، عدم درک متن کتاب و ناتوانی در خواندن آن، ناتوانی در انجام تکالیف، حل تمرین و پاسخگویی به معلم. باور به ناتوانی خود در یادگیری زبان انگلیسی و دروس علمی و درخواست از معلم برای توضیح درس به زبان کردی.

ب) دشوار بودن سطح محتوای دروس: برخی از مباحث درس ریاضی و علوم دشوار است و دانش‌آموزان در یادگیری آن دارای اشکالات اساسی هستند. چون در تدوین کتاب‌های درسی به سطح توانایی دانش‌آموزان و پیچیدگی زبان تدریس توجه نشده است.

پ) عدم باور به توانایی معلم: در نتیجه عملکرد ضعیف معلمان، اعتماد دانش‌آموزان به معلمان تضعیف شده است و این نیز به این دلیل است که معلمان دارای سواد تخصصی کم و ضعف در تدریس به زبان انگلیسی هستند.

ت) کمبود نشاط و ضعف روحی و روانی دانش‌آموز: ناراحتی و گریه کردن و عدم تمایل به رفتن به مدرسه انگلیسی. دانش‌آموزان به دلیل اینکه نمی‌توانند یاد بگیرند، بخوانند و بنویسند، دچار استرس روحی و روانی می‌شوند. اعتماد به نفسشان را از دست می‌دهند. افزون بر اینها به دلیل تجربه شکست، احساس ناتوانی و فشار زیاد به گریه افتاده‌اند. در انتها خود را برای شکست در امتحانات آماده کرده‌اند.

۴- چالش‌های مربوط به والدین

می‌توان چالش‌های مربوط به والدین دانش‌آموزان در زمینه آموزش علم به زبان انگلیسی را در مقوله‌های زیر دسته‌بندی نمود:

الف) ناتوانی والدین برای کمک به دانش‌آموز

پایین بودن سطح تحصیلات، عدم آشنایی با زبان انگلیسی، و کمبود وقت والدین برای یاری دانش‌آموز در انجام تکالیف از عوامل ناتوانی در کمک به فرزندان هستند.

ب) ناتوانی در تأمین هزینه معلم خصوصی یا آموزشگاه زبان انگلیسی: والدین ابراز داشتند که توان تأمین هزینه معلم خصوصی یا فرستادن به آموزشگاه زبان انگلیسی را ندارند.

ب) عدم باور خانواده‌ها به مؤثر بودن آموزش مدرسه: به دلیل بی‌نتیجه ماندن پیگیری والدین هنگام مراجعه به مدرسه و ابراز ناتوانی معلمان در انتقال مفاهیم، خانواده‌ها تاکید کردند که تلاش‌های فرزندشان فایده ندارد چون در مدرسه آموزش صحیحی ارائه نمی‌شود.

بحث

پرسش اول: معلمان مقطع ابتدایی شهر حلبچه چه تجربه‌ای از آموزش علم به زبان انگلیسی دارند؟

تحلیل مصاحبه معلمان نشان داد که دوره آموزشی که برای آماده‌سازی آنان برای تدریس علم به زبان انگلیسی برگزار شده است، چندان مورد رضایت معلمان نبوده است. طبق نظر آنان هم عوامل سازمانی مانند محتوای دوره و فضای برگزاری کلاس‌ها و طول دوره نامناسب بوده است، هم مدرسان در انتقال مفاهیم ناتوان بوده‌اند. افزون بر آن، معلمان شرکت کننده در دوره قابلیت یادگیری ضعیفی داشته‌اند. به عبارت دیگر، زیر ساخت‌های لازم برای تربیت نیروی انسانی ماهر و توانمند برای آموزش علم به زبان انگلیسی، از دیدگاه معلمان شرکت کننده در مصاحبه فراهم نشده است. دوره آموزش زبان برای آن‌ها فایده‌ای چندانی ندارد چون ابتدا با ناامیدی و به اجبار شرکت کرده بودند و همچنین آن‌ها آشنایی قبلی هم به زبان انگلیسی نداشتند و هیچ پاداشی برای پشتیبانی معلمان وجود ندارد به همین دلیل برای متوقف کردن این دوره طومار امضا کرده‌اند.

همچنین، معلمان درباره تدریس دروس به زبان انگلیسی تجارب خوشایند و مثبت نداشتند: (۱) کمبود بودجه آموزشی از سوی وزارت. (۲) ناتوانی معلمان در تدریس به زبان انگلیسی و واگذاری دروس غیر مرتبط با تخصص آن‌ها. (۳) ناتوانی دانش‌آموزان در درک زبان انگلیسی. (۴) کمبود نیروی انسانی (۵) کمبود فضا و نیز نبود امکانات و تجهیزات مورد نیاز آموزش به زبان انگلیسی از جمله نکات مهم و ناخوشایند تجارب آنان است.

این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های پیشین همخوان است از جمله ناکافی بودن دوره آموزشی کوتاه مدت برای آماده‌سازی معلمان، مدرک پایین معلمان و عدم تخصص در دروس ریاضی و علوم (Obaid, 2017)، زمان طولانی مورد نیاز برای آموزش به زبان انگلیسی، کمبود راهنمای تدریس و ارزیابی، کمبود معلمان توانا به آموزش از طریق زبان، کاهش کیفیت آموزش (Gao, 2008)، ضعف در فراهم کردن منابع برای درک عمیق‌تر به صورت سریع (Kılıçkaya, 2006)، بی‌ثباتی و عدم پیوستگی بین محتوای آموزشی (Gökmenoğlu and Gelmez-Burakgazi, 2013). استفاده از زبان بومی برای ارتباط و توضیح و استفاده از زبان انگلیسی تنها برای انجام تمرین و امتحان، عدم احساس راحتی

در استفاده از زبان انگلیسی. عدم تسلط و توان معلمان در دستیابی به مهارت کافی در انگلیسی (Namuchwa, 2007). ضعف در ترکیب مهارت‌های زبانی و مهارت‌های محتوای تدریس، مهارت پایین انگلیسی یادگیرندگان، کمبود منابع آموزشی مناسب (Othman and Saat, 2009). کمبود معلمان حرفه‌ای و توانمند و آموزش به موقع آنان، کمبود منابع برای مطالعه بیشتر، زمان طولانی مورد نیاز برای آموزش، رفتار یادگیرندگان مانع آموزش و اصلاح آن زمان بر است (Kedbey, Dickson & McMinn, 2015). همخوانی دارد.

پرسش دوم: دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر حلبچه چه تجربه‌ای از یادگیری علم به زبان انگلیسی دارند؟

مهمترین عامل در تدریس علم توانایی تدریس معلم و محتوای آموزشی است. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که این دو ناقص هستند و دانش‌آموزان وضعیت قابل قبولی ندارند. به همین دلیل هم اعتماد والدین نسبت به آموزش علم به زبان انگلیسی کاهش یافته است و برخی والدین تصمیم دارند که سال دیگر مدرسه فرزند خود را تغییر دهند. به همین دلیل ناهمسویی تصمیم والدین و انگیزه دانش‌آموزان پیش می‌آید برخی والدین تأکید دارند که فرزندشان در مدرسه با انگلیسی علم را بیاموزد. اما دانش‌آموزان به دلیل تجربه شکست و احساس ناتوانی تمایل به تغییر مدرسه دارند. افزون بر این‌ها، دانش‌آموزان از نظر ذهنی خود را برای شکست در امتحان آماده کرده‌اند.

آموزش به زبان انگلیسی باعث کاهش اعتماد به نفس دانش‌آموزان شده است و این موضوع موجب شده که دانش‌آموزان نگرش منفی نسبت به مدرسه نشان بدهند. ناتوانی دانش‌آموز در انجام دادن تکالیف خانه و عدم ارتباط بین دانش‌آموز و معلم باعث شده که بچه‌ها نمره قبولی کسب نکنند. معلمان در کلاس کلاً به زبان کردی آموزش می‌دهند در بعضی مواقع زبان انگلیسی به کار برده می‌شود و جملات را فقط رونویسی می‌کنند و توان آموزش آن را ندارند و همین مشکلات سبب سرخوردگی و مأیوس شدن دانش‌آموزان شده است از طرف دیگر بعضی از دانش‌آموزان هستند که به زبان انگلیسی آشنایی مناسبی دارند به آموزش علم به انگلیسی علاقه نشان می‌دهند. این افراد یا دارای والدین آشنا به زبان انگلیسی هستند یا در کلاس خصوصی شرکت کرده‌اند. دانش‌آموزان در زمینه انجام تکالیف در منزل و مدرسه به صورت مستقل توانمند نیستند و از سوی دیگر والدین به خاطر بی‌سوادی و عدم وقت نمی‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند. این سبب شده است که بعضی از والدین از همسایه‌ها و فامیل کمک بگیرند. همچنین مدارس برنامه درسی و معلمان خوبی ندارند در نتیجه دانش‌آموزان ناچار هستند که بعضی از تکالیف مدرسه را به عهده بگیرند. عوامل خانوادگی، عوامل فردی یادگیرنده، سخت بودن یادگیری درس علوم و ریاضی، سردرگمی دانش‌آموزان، ضعف‌های آموزشی معلمان، نداشتن معلم متخصص و متعهد، و کمبود امکانات و تجهیزات آموزشی سبب شکست دانش‌آموزان در تحصیل شده است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های پیشین همخوانی دارد. از جمله سردرگمی و عدم

درک مفاهیم توسط دانش‌آموزان (Ghaderi, Bolandhemmatan, Havasbeigi & Babakani, 2018)، عدم درک مفاهیم توسط دانش‌آموز، احساس حقارت و شکست تحصیلی (Mehrijoo & Hadian, 1994)، سرخوردگی عاطفی (Fanaee, 2006)، عدم درک معنا و ایجاد ارتباط با معلم (Iraqi & Hatami, 2013)، عدم درک موضوع درس توسط یادگیرنده، احساس الینه شدن و جدایی، مشارکت اندک یادگیرنده در کلاس، اضافه بار کار یادگیرنده و یاددهنده (Gao, 2008)، کاهش علاقه یادگیرندگان، کاهش اعتماد به نفس و شکست تحصیلی (Gökmenoğlu & Gelmez-Burakgazi, 2013)، ناتوانی در تکالیف نوشتاری، ضعف در دنبال کردن یک بحث، ضعف در بیان ایده خود با انگلیسی روزمره، ناتوانی در درک واژگان تخصصی و کلیدی، ضعف در یادداشت برداری خلاصه و روشن (Evans and Morrison, 2011). عدم احساس راحتی در استفاده از زبان انگلیسی (Namuchwa, 2007). ناتوانی در توضیح مفاهیم به زبان انگلیسی (Othman and Saat, 2009).

پرسش سوم: والدین دانش‌آموزانی که به زبان انگلیسی علم را می‌آموزند چه تجاربی در زمینه مشکلات و دشواریهای یادگیری فرزندان خود دارند؟

والدین تجربه خوشایندی از تدریس علم به زبان انگلیسی به فرزندانشان ندارند. ناراحتی روحی و گریه فرزندان، ناتوانی در فهم مطالب درسی مانند علوم، بی‌نتیجه ماندن پیگیری والدین و ابراز ناتوانی معلمان در انتقال مفاهیم، لزوم آموزش و پیگیری درک فرزندان در خانواده، ناتوانی خانواده‌ها از نظر مالی برای فرستادن کودکان به کلاس خصوصی و احساس نیاز به کلاس خصوصی به جای کفایت تدریس مدرسه از جمله بیان تجارب ناخوشایند والدین نسبت به آموزش به زبان انگلیسی است و تصمیم به فرستادن فرزند خود به مدارس کرد زبان گرفته‌اند. از طرف دیگر والدینی هستند که زبانشان خوب است به خاطر این دوست دارند فرزندشان انگلیسی درس بخواند.

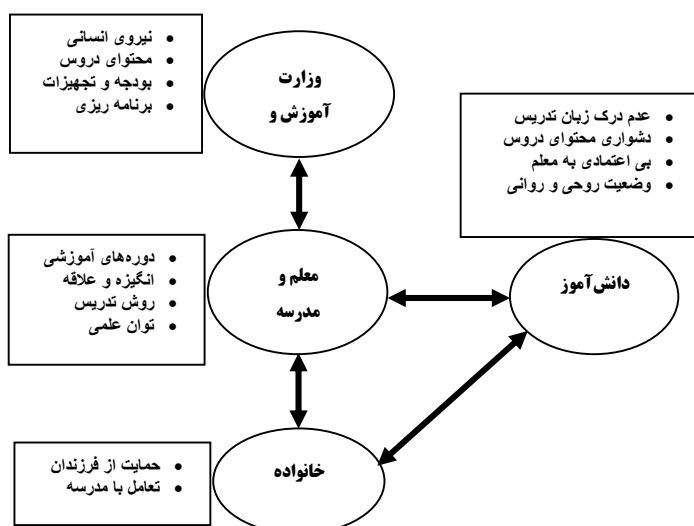
والدین دانش‌آموزان از عدم هماهنگی بین خواندن، صحبت کردن و نوشتن دانش‌آموزان ناراحت هستند و تاکید می‌کنند که تلاش‌های فرزندشان فایده ندارد چون در مدرسه آموزش صحیحی نمی‌بینند. والدین از عدم برنامه آموزشی منسجم و درست، امکانات پیشرفته و معلمان ماهر و مجرب در مدرسه شکایت داشتند، آموزش دانش‌آموزان چنانچه باید انجام نمی‌شود و از رابطه معلم با دانش‌آموزان راضی نیستند. از میان پژوهشهای مرور شده تنها یک پژوهش به ناتوانی والدین در کمک به فرزندان برای انجام تکالیف اشاره نموده است (Kedbey, Dickson and McMinn, 2015).

پرسش چهارم: مدل مفهومی روابط علل ایجادکننده مشکلات و دشواریهای آموزش علم به زبان انگلیسی در مقطع ابتدایی شهر حلبچه چگونه ترسیم می‌شود؟

با توجه به یافته‌های پژوهش و شناسایی نقاط بحرانی ایجادکننده مشکلات می‌توان مدل مفهومی زیر را ترسیم نمود (شکل ۱). این مدل نشان می‌دهد که وزارت آموزش و پرورش به دلیل اختیارات و

مسئولیت‌هایی که دارد نقش اساسی در رفع مشکلات دارد و برنامه‌ریزی، اختصاص بودجه، تأمین نیرو و فراهم کردن تجهیزات و تولید محتوای دروس مناسب و در نهایت نظارت و کنترل و ارزیابی سیستم در اختیار این وزارتخانه است.

توانمندی یا ضعف ارکان اساسی آموزش علم تحت تأثیر تصمیمات و برنامه‌های کلان وزارت آموزش و پرورش است. معلمان و مدرسه مجری و بازیگر اصلی برنامه‌های وزارتخانه با استفاده از امکانات و تجهیزات هستند و یادگیری و تغییرات رفتاری دانش‌آموزان محصول این فرایند است. تعامل و همکاری مدرسه و خانواده تسهیل کننده و یاری دهنده رشد دانش‌آموز است. چالش‌های شناسایی شده در این پژوهش نشان می‌دهد این سیستم در شهر حلبچه به درستی عمل نمی‌کند.



شکل ۱. مدل مفهومی چالش‌های آموزش علم به زبان انگلیسی در مقطع ابتدایی شهر حلبچه

نتیجه‌گیری

به طور خلاصه، امروزه زبان انگلیسی در سطح جهان گسترش یافته و به عنوان زبان دوم، زبان بین‌المللی در بسیاری نقاط جهان کاربرد پیدا کرده‌است و امروزه در فعالیت‌های مختلف جهانی به عنوان ابزار اصلی انتقال مفاهیم به کار گرفته می‌شود. از این رو اهمیت یادگیری زبان انگلیسی در جهان کنونی بر هیچ کس پوشیده نیست و روز به روز نیز با گسترش ارتباطات بین جوامع مختلف بر اهمیت آن افزوده می‌شود. امروزه یادگیری زبان انگلیسی یک ضرورت انکار ناپذیر است چراکه زبان انگلیسی، زبان علم است و آموزش رشته‌های مختلف در سطوح عالی و تولید علم به زبان انگلیسی صورت می‌گیرد. با افزایش روند جهانی‌سازی ارتباطات بین‌المللی، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی،

تجارت جهانی و آموزش علوم جدید همگی به زبان انگلیسی صورت می‌گیرند و عدم آشنایی با این زبان برابر با عدم برخورداری از امکانات زندگی در دنیای مدرن امروزی است. همانند دیگر کشورها که زبان آموزی را از مقطع ابتدایی با برنامه و اجرای صحیح آغاز می‌کنند، اقلیم کردستان عراق نیز می‌تواند چنین طرح مفیدی را عملی کند. تصمیم‌گیری درباره برنامه‌های آموزشی باید مبتنی بر یافته‌های پژوهش‌هایی باشد که در مراحل مختلف درباره سیستم‌ها و سیاست‌های آموزشی صورت می‌گیرد. نتایج این پژوهش بیانگر ضرورت و اهمیت حرکت نظام‌مند و برنامه‌ریزی دقیق و بلند مدت به سمت استفاده از زبان انگلیسی در تدریس علوم مقطع ابتدایی است و انجام اقدامات مقطعی و بدون فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل موجب هدر رفتن هزینه‌ها خواهد شد. طبق یافته‌های این پژوهش، آموزش و پرورش کردستان عراق لازم است که ارکان اساسی تدریس علم به زبان انگلیسی را مستحکم بنا نهد و به صورت یک برنامه بلند مدت، ابتدا ضمن تدوین فلسفه و استراتژی آن، در آماده کردن معلم، محتوا و تجهیزات برنامه‌ای دقیق و کارآمد تدوین نماید و مکانیزم مرحله به مرحله و بلند مدت برای اجرای آن در نظر بگیرد. در طول اجرای هر مقطع از برنامه، ارزیابی، کنترل و بازخورد و اصلاح نواقص و اشکالات را پیگیری کند.

معلمان چنین آموزشی، افزون بر دانش حوزه تخصصی مانند علوم یا ریاضی، خود باید طوری آموزش ببینند که زبان انگلیسی را در ارتباطات و زندگی روزمره به صورت عادی مورد استفاده قرار دهند. این رویکرد باید در آموزش ابتدایی نیز جا بیفتد. به همین دلیل معلمی که نتواند از زبان انگلیسی در مسائل ارتباطی زندگی روزانه استفاده نماید، نمی‌تواند از طریق این زبان علم را به دانش‌آموزان منتقل نماید. تدریس در چنین مدارسی باید به طور کامل با زبان انگلیسی باشد و همه امورات روزمره مدرسه با زبان انگلیسی باشد. همچنین، در زمینه پداگوژی و مؤثرترین روش‌های تدریس آموزش ببینند و بتوانند آن را به کارگیرند.

محتوای تولید شده به زبان انگلیسی، برای کودکان آشنا و برگرفته از زندگی و محیط آنان باشد. به زبان ساده بیان شده باشد و امکان استفاده و کاربرد در محیط مدرسه و خانواده را داشته باشد. لازم نیست که در آموزش علم به زبان انگلیسی شتاب کرد. بلکه پی‌ریزی محکم و کارآمد اهمیت دارد. وقتی معلم و دانش‌آموز در سالهای اول کاربرد زبان انگلیسی را برای ارتباطات و درک و فهم محیط آشنای خود به کارگیرند، علاقه‌مند به یادگیری از طریق آن شده و در استفاده از آن به خودباوری و استقلال خواهند رسید.

به منظور استقرار مبنایی منطقی و پایدار در زمینه آموزش علم به زبان انگلیسی در مقطع ابتدایی پیشنهاد می‌گردد:

- ۱- برای آموزش علم به زبان انگلیسی لازم است نظام آموزش و پرورش معلمان را در سه زمینه الف) تسلط به زبان انگلیسی (مهارت‌های چهارگانه گوش دادن، صحبت کردن، خواندن و نوشتن)، ب) تسلط به موضوع درس به زبان انگلیسی، و ج) تسلط به انواع روش‌های تدریس

- و مهارت در استفاده از ابزارهای تدریس آماده نماید. آماده کردن معلمان کافی با این سطح مهارت نیازمند آموزش بلند مدت یا دست کم میان مدت حداقل ۶ ماهه است.
- ۲- به کارگیری مکانیزمهای تشویقی به منظور ایجاد انگیزه تلاش بیشتر از سوی معلمان.
- ۳- هماهنگی بین وزارت آموزش پرورش و وزارت آموزش عالی اقلیم کردستان و استخدام فارغ التحصیلان دانشکده علوم تربیتی، که در رشته زبان انگلیسی تحصیل کرده‌اند.
- ۴- ویرایش کردن و اصلاح موضوع‌های کتاب درس علوم و ریاضی که در سطح توانایی‌های دانش‌آموزان باشد.
- ۵- ایجاد تعادل و رعایت استاندارد در نسبت معلم به دانش‌آموز.
- ۶- فراهم کردن بسترها، ابزارها و تجهیزات آموزشی نو در زمینه آموزش علم به زبان انگلیسی

References

- Adalat, Z. (2012). The Relationship between Gardner Verbal Intelligence and Learning English Reading and Writing Skills, Master Thesis, Kharazmi University. (Persian).
- Ahmad Abuarqoub, I. (2019). Language barriers to effective communication. *Utopía y Praxis Latinoamericana*, 24, Esp.6.
- Arefi, M. (2004) Study of linguistic-cognitive skills of bilingual children with different economic-cultural backgrounds. *Quarterly journal of educational innovation*, 2(6), 57-69.
- Asareh, F. (2006). *A study of language learning problems of first grade children in bilingual areas and providing a curriculum model for them*. Tehran: Educational Research and Planning Organization. (Persian).
- Brown, D. H. (2009). *Principles of language learning and teaching*. Translated by Zia Hosseini. - Tehran: University Publishing Center Publications. (Persian).
- Ehteshami, T., & Mousavi, S. G. (2009). Language development and mental development affecting social interaction. *Educational Research Journal*, 119, 5-9. (Persian).
- El-Fara, R. A., & Rashid, T. A. (2013). Suggested Strategies for Teaching Science Kurdish Universities Using English as a Medium of Instruction. *International Journal of Applied and Natural Sciences (IJANS)*, 2(1), 39-52.
- Evans, S., & Morrison, B. (2011). Meeting the challenges of English-medium higher education: The first-year experience in Hong Kong. *English for Specific Purposes*, 30 (3), 198-208.
- Fanaei, M. (2005). A Study of Students' Bilingualism. *Dilmaj Monthly*, 13, 20-29. (Persian).
- Gao, X. (2008). Shifting motivational discourses among mainland Chinese students in an English medium tertiary institution in Hong Kong: A longitudinal inquiry. *Studies in Higher Education*, 33(5), 599-614.
- Ghaderi, M., Bolandhemmatan, K., Havasbeigi, F., & Babakani, S. (2018). Elementary School Teachers' Life Experience with the Challenges of Teaching in Farsi in Bilingual Areas. *QJOE*, 34 (1), 95-114.
- Ghasemi, B., & Masoud H. (2011). Foreign language learning during childhood. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 28, 872 – 876.
- Gohari, L. (2010). A study of the educational issues of bilingual students from the perspective of Kurdish language students of Ilam University. M. A. Thesis, Kashan University. (Persian).
- Gökmenoğlu, T., & Gelmez- Burakgazi, S. (2013). Designing English-Medium Classroom Management Course for Non-Natives, *Turkish Online Journal of Qualitative Inquiry*, 4(3), 17-33.
- Grosjean, F. (2010). *Bilingual*. Harvard University Press.

- Iraqi, S. M., & Hatami, S. A. (2012). A Study of Literacy Problems of Bilingual Students in Primary School. *Proceedings of the National Conference on Bilingualism (Challenges and Solutions)*, pp. 546-583. (Persian).
- Ismail, W. R., Mustafa, Z., Muda, N., Abidin, N. Z., Isa, Z., Zakaria, A. M., ... & Azlan, M. I. (2011). Students' inclination towards English language as medium of instruction in the teaching of science and mathematics. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 18, 353-360.
- Kadbey, H., Dickson, M., & McMinn, M. (2015). Primary Teachers' Perceived Challenges in Teaching Science in Abu Dhabi Public Schools. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 186, 749 – 757.
- Kimberly S., & Drury, R. (2012). The 'problem' of bilingual children in educational settings: policy and research in England, *Language and Education*, 27(1), 70-81. DOI:10.1080/09500782.2012.685177
- Kılıçkaya, F. (2006). Instructors' attitudes towards English-medium instruction in Turkey. *Humanising Language Teaching*, 8(6), 1-16.
- Mathew, G. (2019). Language learning: the mother tongue model. *International Journal of English Learning & Teaching Skills*, 1 (4), 281-284.
- Mehrjoo, A., & Hadian, M. (1994). comparison of educational in bilingual students, Research center of education main office in Eastern Azarbayjan province
- Mohammadi, H., Nilipour, R., Yadegari, F., & Karimloo, M. (2009). Effect of Language Proficiency on the Severity of Dysfluency in Bilingual Students Who Stutter. *Advances in Cognitive Science*, 11(3). (Persian)
- Mohammadi, S. (2015). Multicultural Curriculum: Pathology of Persian Language Education from the Perspective of Kurdish High School Teachers and Students in Songor and Keliyai County in the 94-93 Academic Year, M. A. Thesis, Kashan University (Persian).
- Namuchwa, C. E. (2007). Challenges of Using English as a Medium of Instruction in the upper part of primary schools in Rural Uganda. Master Thesis, University of Oslo, Norway
- Obaid, M. G. (2018). A study of the Impact of English Courses on Primary Schools Teachers Concerning the Educational Curriculum Converts from Kurdish to English in KRG, Case Study, Duhok City, *Journal of Duhok University*, 34, 45.
- Othman, J., & Saat, R. M. (2009). Challenges of Using English as a Medium of Instruction: Pre-service Science Teachers' Perspective. *Asia-Pacific Education Researcher (De La Salle University Manila)*, 18(2).
- Paulston, C. B. (Ed.). (1988) *International handbook of bilingualism and bilingual education*. Greenwood Publishing Group.
- Prinsloo, D. (2007). The right to mother tongue education: a multidisciplinary, normative perspective. *Southern African Linguistics and Applied Language Studies*, 25(1), 27-43.
- Rasouli, S., & Hamidi, M. A. (2011). Consequences of pre-school education for primary school students in bilingual provinces: more language preparation and development. *Quarterly Journal of Education*, Vol. 108, p. 45-31. (Persian)
- Sert, N. (2008). The language of instruction dilemma in the Turkish context. *System*, 36, 156–171.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications, Inc.